



## فان‌دان برگزیده فهیمة رحیم پور

خانواده و خاندان در زبان عرب به معنای اهل است، و اهل یک مرد کسانی هستند که با او در یک خانه زندگی می‌کنند. قرآن کسانی را که با پیغمبری هم عقیده و پیرو باشند و به او ایمان آورند اهل و ذریه او می‌داند. و کسانی را که فرزند نسبی وی باشند اما به او ایمان نیاورند، خارج از اهل او می‌داند.<sup>۱</sup> و به طور مجاز به کسانی که او و آن‌ها را به یک نسب می‌رساند اهل بیت مرد گفته می‌شود.<sup>۲</sup> آل مقوب از اهل و مصغر آن اهل است و فقط

درباره‌ی اشراف و بزرگان به کار می‌رود.<sup>۳</sup> قرآن کریم در سوره آل عمران، به برگزیدگان جهان بشریت این گونه اشاره می‌کند: ﴿ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین﴾ (سوره آل عمران، آیه ۳۰)

اصطفی یک نوع اختیار نمودن و مقدم داشتن افراد نامبرده در یک امر یا اموری است که دیگران در آن شرکتی نداشته باشند.<sup>۴</sup> در مسیر آفرینش خلق، پدیده بشری و سر فصل‌های تاریخی آن، امر خدا جهش داده شده تا افرادی چون آدم و نوح و گروه‌هایی چون آل ابراهیم و آل عمران گزیده و تصفیه گردند. اینان کسانی هستند که اگر نبودند همه انسان‌ها در تاریکی و اوهام به سر می‌بردند. آل ابراهیم از جمله برگزیدگانند که شامل اسماعیل و اسحق و همسران وی نیز می‌باشند. علاوه بر شخصیت بی نظیر و تأثیرگذار ابراهیم<sup>(ع)</sup> در تاریخ بشریت همسران او نیز از افراد برگزیده در نوع خود بودند. ساره و هاجر از زنان برگزیده و از جمله بانوان بهشتی می‌باشند. اینان مادران پیامبران از صلب ابراهیم در طول تاریخ هستند که در این گفتار به شرح حال کوتاهی درباره آنان می‌پردازیم.

### ساره

ساره به معنای شاهزاده نامی است که بر اساس تورات خداوند به همسر ابراهیم<sup>(ع)</sup> داده است.<sup>۵</sup> نام قبلی او سارا بود، به گفته تورات ساره از خویشاوندان نزدیک ابراهیم محسوب می‌شد.<sup>۶</sup> اما اقوال دیگری نیز درباره او نقل شده از جمله اینکه او دختر وزیر نمرود بود و تحت تأثیر نجات ابراهیم از آتش قرار گرفت و مسلمان شد و در آن زمان زیباتر از او کسی نبود. همچنین در مورد وی گفته شده او دختر فرمانروای حران بود که از دین پدران خود (بت پرستی) بیزاری می‌جست.<sup>۷</sup> به گفته تورات خداوند به ابراهیم درباره ساره فرمود: من او را برکت خواهم داد و از وی پسری به تو خواهم بخشید و از او قوم‌ها به وجود خواهم آورد و از میان فرزندان تو پادشاهان (پیامبران) برخوانند خواست. حضرت ابراهیم در سن

صد سالگی و ساره در سن نود سالگی صاحب اسحاق شدند. قرآن کریم بشارت اسحاق را هنگامی بیان می‌دارد که فرشتگان موکل عذاب قوم لوط قبل از نزول عذاب بر قوم سدوم، بر ابراهیم به صورت میهمانان ناشناس وارد شدند. ساره در کنار در ایستاده بود و شاهد گفتگوی آنان با ابراهیم بود. هنگامی که بشارت اسحاق را به آنان دادند ساره به صورت خود زد، خندید و تعجب کرد و گفت: همسرم پیر و من ناتوان و فرسوده شده‌ام و فرزند دار شدن ما امر عجیب و دوری است. اما فرشتگان به ساره گفتند: تعجب نکن خداوند رحمت و برکاتش را بر شما نازل و ملازم ساخته. ﴿رحمة الله و برکاته اهل بیت انه حمید مجید﴾<sup>۸</sup>.

از این رو بعید نیست یکی از این برکات و رحمت‌های خداوند فرزندی باشد از پدر و مادری در سنی که برای اینکار مناسب نیست. <sup>۹</sup> اسحق به معنای خنده است. <sup>۱۰</sup> و وجه تسمیه آن حضرت به این نام از آن جهت است که فرزند دار شدن ابراهیم و ساره در آن سنین خارج از عرف و باردار شدن زنی به واسطه نازایی در سنین کهولت خارج از عادت و موجب خنده دیگران می‌گردید. <sup>۱۱</sup> تورات علت این تسمیه را از زبان ساره اینگونه بیان می‌کند: خدا برایم خنده و شادی آورده است و هر کس خبر تولد پسر را بشنود با من شادی خواهد کرد. چه کسی باور می‌کرد روزی من فرزند ابراهیم را شیر دهم ولی اکنون در سنین پیری پسری زاییده‌ام. از آنجایی که فرزند دار شدن ابراهیم و ساره در آن سنین خارج از عرف طبیعی بود این امر به عنوان کرامتی از جانب خداوند بر ابراهیم<sup>(ع)</sup> در چندین آیه مورد تاکید قرار گرفته است. <sup>۱۲</sup> ساره از حسن و جمال خیره‌کننده‌ای برخوردار بود و آن حسن و جمالی که ساره داشت در سلسله پیامبران از نسل اسحق نیز ظاهر شد. به این گونه که حسنش و زیبایی همراه با عفت یوسف صدیق<sup>(ع)</sup> و مریم عذراء، از آن جمله است. به گفته تورات ساره در سن ۱۲۷ سالگی در حبرون واقع در سرزمین کنعان درگذشت. <sup>۱۳</sup> و ابراهیم آن حضرت را در غار مکفیله که در انتهای مزرعه‌ای بود دفن کرد. این مزرعه توسط ابراهیم خریداری شده بود و بعدها به عنوان مقبره خانوادگی خاندان ابراهیم محسوب گردید. در این غار، ابراهیم، ساره، اسحاق و یعقوب مدفون هستند. در ماده الخلیل در معجم البلدان آمده است، الخلیل نام شهری و موضعی نزدیک بیت المقدس به فاصله یک روز راه،



دارای قلعه‌ها و ساختمان‌ها و بازار که قبر ابراهیم خلیل در آنجا و در غاری زیر زمین است. آنجا زیارتگاه و محل اجتماع و مهمانسرای زائران است. نام اصلی اش حبرون یا حبری است. بنابر نقل تورات ابراهیم آن را از عفرون بن صوحار حتی به مبلغ چهارصد درهم نقره خریداری کرد و ساره را در آن دفن کرد. <sup>۱۴</sup> هر وی در معجم البلدان می‌نویسد: نزد سلفی خواندم مردی از آرامنه قصد زیارت الخلیل کرد و هدایای فراوانی به متولی آن محل داد و از



او خواست امکان فرود و دیدار جسد ابراهیم را برایش فراهم کند. پاسخ داد: اکنون نمی شود ولی اگر بمانی تا خلوت شود و زائران بروند انجام خواهم داد. هنگامی که زائران رفتند سنگی را کنار زد و چراغی برگرفت و با یکدیگر به اندازه ۷۰ درجه به سوی غاری که هوای فراوانی در آن جریان داشت فرود آمدند. در غار سکویی بود که ابراهیم بر روی آن خوابیده و جامه سبزی بر روی او پوشیده بود و هوای جاری در غار با ریش سفیدش بازی می کرد، اسحق و یعقوب نیز در کنار او بودند. سپس او را به نزدیک دیوار غار آورد و به او گفت ساره پشت این دیوار است. او خواست

تا پشت دیوار را نظاره کند که ناگهان صدایی برخاست: از نزدیک شدن به حرم پرهیز! او گفته است [با شنیدن صدا] از همان جا که پایین رفته بودم باز گشتم.<sup>۱۵</sup>

#### هاجر

حضرت ابراهیم پس از مهاجرت از بابل در سرزمین حاصلخیز شام ساکن شد اما پس از چند سال این سرزمین دچار خشکسالی و قحطی می شود. و ابراهیم ناچار به مصر کوچ می کند. ۱۶ پادشاهان مصر را فرعون می نامیدند. پس از مهاجرت ابراهیم در باریان به فرعون از آمدن زنی به آن سرزمین خبر دادند که زیبایی خیره کننده و فوق العاده دارد و فرعون را تشویق و ترغیب به گرفتن او کردند. هنگامی که ساره را به قصر فرعون بردند او را به لباس و جواهرات آراستند. اما او به این زر و زیورها و شکوه و جلال دربار اعتنایی نکرد و اندیشه همسر و وفای به او و آیین او، وی را گوشه نشین و اندوهگین ساخت و زمانی که فرعون قصد نزدیک شدن به او را داشت دچار اضطراب و آشفتگی شدیدی گردید لذا از او منصرف شد. بنا به نقل تورات فرعون در خواب حقیقت ماجرا را درمی یابد که ساره همسر پیامبر خداست. پس از بیداری او را آزاد و هاجر را به عنوان خدمتکاری همراه با هدایایی به او می بخشد. ۱۷ هاجر بانویی باوفا و گرامی و فرمانبردار بود. از آنجاییکه ساره نازا بود و اندیشه فرزند نداشتن ابراهیم او را آزار می داد، کنیزش هاجر را به ابراهیم بخشید تا با وی ازدواج کند. ۱۸ ثمره این وصلت اسماعیل (ع) جد اعلای پیامبر خاتم و حامل نور ۱۲ امام از اهل بیت بود. پس از مدتی که از تولد اسماعیل گذشت بنا به فرمان الهی ابراهیم مأموریت یافت تا هاجر و فرزندش را به سرزمین بی آب و علف حجاز ببرد تا به برکت وجود ایشان مراسم و آیین حج در سرزمین توحید در اثر فداکاری هایشان ترسیم گردد و قدیمی ترین پایگاه توحیدی به دست آنان ساخته شود. اسماعیل هنگامی که ۲۰ ساله شد مادرش هاجر در سن ۹۰ سالگی درگذشت. او مادرش را در حجر دفن کرد. اسماعیل نیز پس از پدرش ابراهیم از دنیا رفت و بنا به وصیتش

## در کنار مادرش در جنب کعبه دفن گردید.<sup>۱۹</sup>

ابن جبیر در سفرنامه خود در قرن هفتم هجری قبر اسماعیل و هاجر را اینگونه توصیف می کند: در زیر ناودان در صحن حجر نزدیک دیوار خانه خدا قبر اسماعیل است علامت آن سنگ سبز و مرمرین و مستطیل محرابمانندی است که سنگ سبز مرمرین دیگر به گرد آن پیوسته است. هر دو سنگ از دیدنی های شگفت آور است در آن ها رگه ها و نقاطی است که اندکی به زردی می زند چنان که گویا درز و شکاف است و شبیه ترین چیزها به ذرات باقی مانده از ذوب طلاست. در جنب آن، نزدیک رکن عراقی قبر مادرش هاجر است. علامت آن نیز سنگ سبزی به اندازه ی یک وجب و نیم است. مردم در نماز به این دو محل از حجر تبرک می جویند و این برای آنان سزااست. زیرا آن دو قبر از بیت عتیق بوده و در بردارنده دو جسد مقدس و گرامی است. قبوری که خداوند آن ها را نورانی کرده و به برکت آن ها به نمازگزاران و دعاکنندگان در آنجا سود می رساند. فاصله این دو قبر مقدس از یکدیگر هفت وجب است.<sup>۲۰</sup> درود و سلام خداوند بر ابراهیم و خاندان پاکش.

«اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت و بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید و مجید»

۱. علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، ج ۲-۱، دار الکتب اسلامیة، ص ۱۳۵، مانند پسر نوح، سوره هود، آیه ۴۶
۲. همان، ج ۲-۱
۳. همان، ص ۱۴۳
۴. آیت الله سید محمود طالقانی، برتری از قرآن، ج ۱، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۸
۵. تورات، سفیر پیدایش، بند ۱۷، باب ۱۷.
۶. همان، بند ۱۱، باب ۲۹ و ۳۰.
۷. عبدالکریم بی آزار شیرازی، باستان شناسی، جغرافیای تاریخی قصص قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳ به نقل از طبری، ج ۱.
۸. سوره هود، آیه ۷۳
۹. علامه محمد حسین طباطبایی، المیزان، مترجم: محمد جواد حجتی کرمانی، ناشر بنیاد نشر علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۰، ص ۱۵
۱۰. سفیر پیدایش، باب ۲۱، بند ۴.
۱۱. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۰، ص ۴۹۳
۱۲. سوره انعام، آیه ۸۵، سوره مریم، آیه ۲۰، سوره انبیا، آیه ۷۳، سوره هود، آیه ۷۳
۱۳. سفیر پیدایش، باب ۲۳
۱۴. همان
۱۵. علامه مرتضی عسگری، حکم بازسازی قبر اولیا و انبیا و عبادت در آنها، مترجم: محمد جواد کرمی، نشر مجمع علمی اسلامی، ۱۳۷۷، ص ۱۹-۲۰
۱۶. سفیر پیدایش، باب ۱۲
۱۷. صدر بلاغی، قصص الانبیا، نشر امیر کبیر، ۱۳۴۱ ش، ص ۶۲-۶۱
۱۸. سفیر پیدایش، بند ۱۶، سوره ابراهیم، آیه ۳۵
۱۹. علامه عسگری، همان، ص ۳۲ به نقل از طبقات ابن سعد
۲۰. همان، ص ۳۴، به نقل از سفرنامه ابن جبیر آندلسی

